

CROCUS CITY HALL



رد شبهات و اتهامات شيخ لندن!

نويسنده : سيف الله ارهابي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رد شبهات و اتهامات شيخ لندن!



رسانه الحديد

رمضان - 1445-

الحمد لله مالك الملك، المنتزه عن الجور، والمتكبر عن الظلم، المتفرد بالبقاء، السامع لكل شكوى، و الكاشف لكل بلوى، والصلاة والسلام على من بعث بالدلائل الواضحة والحجج القاطعة بشيرا ونذيرا وداعيا إلى الله بإذنه وسراجا منيرا

قال الله سبحانه وتعالى فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧٠﴾ آل عمران 7

ترجمه: اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جوی و طلب تاویل آن به دلخواه خود از متشابه آن پیروی می کنند با آنکه تاویلش را جز الله و کسانی که فهم عمیق در دانش دارند کسی نمی داند آنان که می گویند ما بدان ایمان آوردیم همه چه محکم و چه متشابه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود.

یقینا زمانیکه چهار تن از انغماسی های مجاهدین دولت اسلامی در 23 مارچ به فرمان الله تبارک و تعالی لبیک گفتند و قلب روسیه یعنی مسکو را هدف قرار دادند که در نتیجه؛ الله تعالی بسیاری از کفار محارب را به دست مجاهدین به قتل رساند و مجازات شان

کردند، طاغوت پوتین و لشکرش را رسوا ساخت و سینه گروه مومنین را شفا بخشید.

اینجا بود که تمام کفار و مرتدین از آمریکا گرفته تا طالبان همه آمدند و این حمله مبارک را محکوم کردند و غمشریکی خود را با کفار اعلان کردند، اما هیچ یکی از این اعلامیه ها برای ما شخصاً تعجب آورد نبود، بلکه چیزی که ما را به تعجب آورد سخن یک تن از مذبذبین بود که سال هاست خود را در میان موحدین جا زده و طالب العلم معرفی میکند و حتی بعضی ها را در فتنه واقع کرده و مانع جهاد و هجرت شان شده است.

هرچند اسمش را نبریم هم همه میشناسند که در باره چه کسی حرف میزنیم ولی باز هم باید مخاطب را واضح کرد که موصوف ابو محمد لندن (مدنی) میباشد، مذکور تا مدت های زیادی بخاطر یافتن شهرت مخالفت خود را با مجاهدین پنهان میکرد، اما زمانیکه از طرف بعضی ها تاپه های مختلف بالایش زده شد،

پس ترسش بر شهرت طلبی غلبه یافت و مخالفت خود را آهسته آهسته آشکار کرد، اما مجاهدین به وی اهمیت نداده و بار بار برای وی در ادرس های شخصی وی نصیحت و خیرخواهی فرستادند.

بلاخره موضوع به عملیات مبارک 23 مارچ رسید که در این روز مذکور به گفت خودش بسیار مریض بود اما باز هم این مریضی اش مانع زبان درازی و مخالفت وی با مجاهدین نشد، بلکه بر خاست و این عملیات مبارک را به کشتن زن و طفل و دهقان و کهن سالان تعبیر کرد و آن را فتنه و جهاد مجاهدین را جنایت و وحشت نامید و چهار شیری از شیران اسلام را جاهل، ادم کش و لشکر چنگیز معرفی نمود و علاوه بر آن به عقیده قوم گرایی دعوت کرد و تمام تاجیک ها را بدون تمیز به دفاع، احترام و پذیرش یکدیگر دعوت کرد. لهذا ما در رساله قبلی سخنان و دلایل وی را رد کردیم و گفتیم که ما نه بر مزارع و فارم های حیوانات حمله کرده ایم که دهقان ها را قتل کرده باشیم، نه بر کودکان و مکتب حمله کرده ایم که اطفال را کشته باشیم و نه به زایشگاه حمله کرده ایم که زنان را کشته باشیم و نه هم بر چنین جای حمله کرده ایم که در آنجا کهن سالان جمع شده باشند، بلکه مکان عملیات ما واضح و بر خلاف ادعا و دلایل شیخ لندن بود که بر اساس آن عملیات مبارک را رد کرده بود، بالاخره زمانیکه رساله ما نشر شد پس الحمدلله بسیاری از موحدین حقبین آن رساله را استقبال و تأیید کردند و چهره واقعی شیخ لندن واضح تر گشت.

لهذا بجای اینکه مذکور از سخنان خود رجوع کند و حق را بپذیرد و در مقابل چرندیات که گفته بود از عناد کار نگیرد بلکه مایل به حق شود اما دوباره در رسانه ظاهر شد و با قهر و غصه زیادی تا آنجا که همه دانستند تاب رديه ما را نداشت با بسیار سخنان زشت و خلاف ادب اکثریت مخاطبین خود را دشنام میداد و لله الحمد با این عکس العملش چهره وی بیشتر آشکار شد که جز دشنام دادن جواب دیگری نداشت و علاوه بر آن سوال ها و تلبیس های زیاد دیگر را نیز ارائه کرد و زمانیکه برادران ما می خواستند شبهات وی را پاسخ گویند، مذکور اجازه سخن زدن را نمیداد بلکه همواره جاهل و احمق گفته هر یکی را دشنام داده و از لایف بیرون میکرد.

به همین علت برای اینکه شبهات وی باقی نمانده و پاسخش را ارائه کنیم خواستم رساله دومی نیز در رد وی بنویسم که در این رساله به بعضی از شبهات وی پاسخ خواهیم داد باذن الله تعالی و اگر از مخالفت حق دست نگیرید ان شاء الله ما در بیان و دفاع از حق هیچ گاهی هم خسته نخواهیم شد و به این سلسله ادامه میدهم ان شاء الله.

شیخ لندن در این سخنرانی خود دوباره بر تهمت های خود پافشاری کرد و عملیات مجاهدین را در مسکو حمله بر زن و طفل و

دهقان تعبیر کرد و همین دلایل را نیز از منع کشتن طفل و زن و دهقان بیان کرد، اما چنانکه ما قبلاً نیز رد کردیم که ما اطفال و زنان و دهقانان و ریش سفیدان را نکشته ایم، اگر چه این کار صورت های مختلف دارد که در یک صورت آن زمانیکه زن های کفار در جنگ شریک باشند کشته میشوند طوریکه در مسکو کشتیم، الله تعالی و رسول الله صلی الله علیه وسلم در صورت عادی کشتن زنان و اطفال کفار را حرام قرار داده است، اما زمانیکه کفار چنین تعدی ها را انجام میدهند پس الله تعالی نیز به عین شکل اجازه میدهد تا همانگونه که آنها عمل انجام داده اند ما نیز انجام دهیم، به گونه مثال این یک امر غیر قابل انکار است که روسیه زنان و اطفال مسلمانان را نکشته باشد حتی خود شیخ لندن نیز این را تأیید کرد که روسیه زنان و اطفال مسلمانان را در افغانستان و سوریه و دیگر جاها فجیعانه و بدون تمیز به قتل رسانده است، و آنها هرگز از این کار خود پشیمان نشده اند و دست بردار نیستند، پس در چنین حالت الله تعالی مسلمانان را اجازه میدهد که شما هم به همان شکل یا از آنها انتقام بگیرید و یا صبر کنید، اگر به نظر امیران جهاد (نه نظر تارکان جهاد) مصلحت انتقام بیشتر باشد پس انتقام بهتر است تا اینکه کفار از چنین اعمال خود دست بردار شوند و دوباره به چنین

فجایع دست نزنند، الله تعالى میفرماید: **وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوِقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ [سُورَةُ النَّحْلِ: 126]**

و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها بمقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. و همچنان الله تعالى میفرماید: **فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ [سُورَةُ الْبَقَرَةِ: 194]**

و هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از الله بترسید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید الله با پرهیزکاران است! و الله تعالى زمانیکه خون مقتول مسلمان را در برابر مسلمان دیگر نمیبخشد پس چگونه یک قاتل کافر بخشیده شود؟ **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى [سُورَةُ الْبَقَرَةِ: 178]**

ای کسانیکه که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن .

اما باز هم ما ادعای شیخ لدنی را رد میکنیم و میگوییم که در این عملیات هیچ طفلی کشته نشده است و اما آنچه زنان محاربین هستند

پس در این مورد از تمامی خوانندگان عزیز تقاضا میکنیم یکبار در اینترنت به اداره های دولت پوتین سر بزنید و بنگرید که آیا زنان اینها در جنگ علیه مجاهدین شریک هستند یا خیر؟ یک بار به فابریکه های سلاح سازی و گلوله سازی در روسیه در اینترنت سر بزنید و ببینید آیا همه کارمندان این فابریکه ها زنان نیستند پس از شیخ لندن میخواهیم که در اول برای ما بی گناه بودن این خواهر خوانده های روسی خود را ثابت کند، بعدا بیاید و بگوید که کشتن زنان بی گناه کفار حرام است.

وقتی زنان کفار در جنگ علیه مسلمانان شریک باشند طوریکه هستند در هر جا یافته شوند باید برایشان مجاهدین در کمین باشند و به شکل انفرادی و دسته جمعی هدف شان قرار بدهند.

پس هر کسی از کفار و مشرکین اهل حرب در جنگ با مسلمانان شریک بود و یا حتی توانایی جنگیدن را داشت کشتن وی جایز است، در این مورد اقوال زیادی از سلف و خلف وجود دارد که چندی از آن را برایتان نقل خواهیم کرد:

قال الفاروق عمر لأبي جندل رضي الله عنهما: (فإنما هم مشركون، وإنما دم أحدهم دم كلب). [رواه البيهقي وأحمد]

عمر فاروق رضي الله به ابو جندل رضى الله عنه گفت: يقينا اينها مشرك هستند و خون اينها همانند خون سگ است. .

قال القرطبي: (والمسلم إذا لقي الكافر ولا عهد له: جاز له قتله).
[تفسير القرطبي 5/388]

إمام قرطبي ميفرمايد: هرگاه مسلمان با كافرى كه عهد نداشته باشد روبرو شود كشتنش جايز است.

قال ابن كثير: (قد حكى ابن جرير الإجماع على أن المشرك يجوز قتله إذا لم يكن له أمان وإن أمّ البيت الحرام أو بيت المقدس) [تفسير ابن كثير 2/6]

ابن كثير رحمه الله ميفرمايد: ابن جرير اجماع را نقل کرده است كه كشتن مشرك اگر کدام مسلمان برايش امان نداده باشد جايز است، هرچند در كعبه و بيت المقدس امام باشد.

قال الإمام النووي: (وأما من لا عهد له، ولا أمان من الكفار: فلا ضمان في قتله على أي دين كان). [روضة الطالبين 9/259]

إمام نووي رحمه الله می فرمايد: كافرى كه عهد و امان نداشته باشد، اگر به هر دين باشد كشتن وی تاوان ندارد.

قال ابن مفلح: (ولا تجب بقتله دية ولا كفارة - أي الكافر من لا أمان له - لأنه مباح الدم على الإطلاق كالخنزير) [المبدع 8/263]

ابن مفلح می‌فرماید: بر کشتن کافری که امان نداشته باشد دیت و کفاره واجب نمیشود، چون کفار به گونه مطلق همانند خنزیر مباح الدم هستند.

قال الإمام الشافعي: (الله تبارك وتعالى أباح دم الكافر وماله إلا بأن يؤدي الجزية أو يستأمن إلى مدة) [الأم: 1/264]

إمام شافعي رحمه الله می‌فرماید: الله تبارك و تعالى خون و مال کفار را مباح قرار داده است، مگر اینکه جزیه بپردازد یا اینکه برای مدت معین مستامن باشد.

قال الطبري: (أجمعوا على أن المشرك لو قلد عنقه أو ذراعيه لحاء جميع أشجار الحرم: لم يكن ذلك له أمانا من القتل إذا لم يتقدم له أمان) [تفسير الطبري 61/6 - با اضافات]

مفسر طبری رحمه الله: علماء بر کشتن مشرک اجماع کرده اند، اگر چه خود را از دست ها گردن ها بر درختان حرم آویزان کنند این امان شمرده نمیشود و از کشتن نجات نمی یابد، مگر اینکه کدام مسلمان برایش امان بدهد.

قال الشوكاني رحمه الله: (أما الكفار فدماؤهم على أصل الإباحة كما في آية السيف؛ فكيف إذا نصبوا الحرب) . [السييل الجرار 4/522]

إمام شوکانی رحمہ اللہ میفرماید: ریختن خون عام کفار مباح است، چنانکه در آیه السیف آمده است، پس خون کسانی چگونه باشد که حربی هستند.

وقال الكاساني رحمه الله: والأصل فيه : أن كل من كان من أهل القتال : يحل قتله سواء قاتل أو لم يقاتل " [بدائع الصنائع 7/ 101]

کاسانی رحمہ اللہ میفرماید: اصل در کفار این است که هر کافری که توانایی جنگ با مسلمانان را داشته باشد، برابر است اگر با مسلمانان جنگیده باشد نجیگده باشد پس کشتنش جایز است.

أبو يعلى می فرماید: کشتن اسیران کفار حربی و مرتدین واجب است. [الأحكام السلطانية ص ۵۵، به حواله إمارة اللثام: 175]

إمام شوکانی رحمہ اللہ میفرماید: مشرک اگر محارب باشد یا غیر محارب باشد پس ریختن خونش مباح است تا زمانی که مشرک باشد. [السیل الجرار 4 جلد]

پس این فتوی علماء سلف و خلف در مورد کشتن کفار است، و برای مسلمان فقط همین کافی است که عمر رضي الله عنه گفته است: اینها مشرکین هستند و خونشان همانند خون سگ است.

این حکم شریعت است که کثیری از تربیه شدگان آل سلول از این حکم شریعت بد میبرند.

• شیخ لندن پرسید که به کدام دلیل در رساله قبلی من را تکفیر کرده اید؟ آیا فقط بخاطر یک مسئله فروعی دین که من گفته ام کشتن زن و بچه و دهقان کفار محارب حرام است؟

در قدم اول برای وی میگویم وقتی یک موضوع فروعی است در شریعت تو چرا بالای موضوع فروعی در رسانه ها در ردیف کفار دنیا قرار میگیری و فریاد سر میدی که این وحشت است دهشت است فتنه است قربانی مجاهدین و فداکاری مجاهدین را زیر سوال میبری؟

آیا رسانه جای بیان مسایل داخلی مجاهدین و بیان برعلیه مجاهدین و یا جای بیان کردن مسایل فروعی است؟ احکام فروعی دیگر در دین نیست که تو در این روز های که مسله مسکو داغ است میایی بالای این موضوع رد میزنی؟

خودت که این موضوع را فروعی میگویی چی نیاز است که اینقدر درد دل خود را به روس های سرخ بیان میکنی، خوب اگر تو عالم هستی جهاد که اکنون فرض عین است بالایش صحبت کن یا در مورد غزه صحبت کن!

پس وقتی موضوع فروعی است چه ضرورت است که اکنون تمام کفار دنیا غمگین است تو خود را غمخوار کفار قرار داده و دلایل بیجا و تکراری ذکر کردی؟

وقتی موضوع فروعی است چرا به مجاهدین تماس نگرفتی و نگفتی که این کارتان اولویت داشت یا نه و یا این کارتان اختلافی بود یا نه شما به کدام قول عمل کردید، آیا خواستن دلیل از مجاهدین حق مجاهدین بالای تو بود یا خیر؟ که آمدی بدون چون و چرا از خود مفتی امت جور کردی و بدون اینکه بگویی این موضوع فروعی است صراحتاً رد کردی، اگر میگویی نکردیم پس این یقیناً همان ضرب المثلی را به یاد ما میارود که دروغ گوی حافظه ندارد و بیان اول که کردی دوباره بشنو.

وقتی میگویی موضوع فروعی بود چرا آمدی بدون اینکه فکر کنی در رسانه عملیات مجاهدین را رد کردی و از این فتنه که تو برپاه کردی خوب میدانی که کفار استفاده میکنند و از چنین موضوعات کفار به نفع خود فایده میبرند آیا موضوع فروعی به همین قسم بیان میشود و راه حل اش همینگونه است؟

در شریعت حتی در صورت که کفار مسلمانان را سپر قرار بدهند به نیت زدن کفار اما به سوی همان مسلمان شلیک کرده میشود و کشته

میشوند چی برسد به زن و طفل کفار محارب حال آنکه این زنان خودشان محارب بوده و همراهی ما در جنگ هستند پس چرا قتل نکنیم؟

اولا زن و طفل کشته نشده وقتی کشته شده باشد هم از کفار محارب و زن های محارب کشته شده است تو چرا دلدرده ای؟
آیا همان روزی که علیه غزوه مبارک مسکو رد زدی یکبار به غزه سر نزدی که همان وقت هم زنان و اطفال مسلمان شهید شده و زیر آتش بمبار ملت کفر قرار داشتند، آیا حق خواهر خوانده های روسی ات بالایت بیشتر بود یا حق مسلمانان غزه که باید بار بار از آنها دفاع میکردی و بخاطری نصرت شان جهاد را فرض عین اعلان کرده و به عمل بالمثل با کفار دنیا در سراسر دنیا مسلمانان را تحریض میکردی؟

در تاریخ معاصر اسلام و در چند دهه گذشته هر تحالف که خلاف مسلمانان شده است در راس آن روسیه و امریکا قرار دارند. ای نادان و بی خبر از تاریخ یکبار در باره بمبار های بشارالاسد در انترنت تحقیق کن ببین حامی درجه یک نظام بشار کی است؟ بعد بیا بالای کشته شدگان شان نوحه سرایی کن.

برای این ادعای وی جواب دوم ما این است که: نخیر ما تو را صراحتاً تکفیر نکرده ایم، اگر به زعم خود تکفیر فکر میکنی پس ما به این خاطر تو را تکفیر نکردیم که تو تهمت وارد کردی و عملیات مبارک مجاهدین را به کشتن زن و طفل و دهقان و ریش سفیدان تعبیر کردی، هرچند از تو برای این سختی که مجاهدین اطفال و دهقان و ریش سفیدان را کشته باشد دلیل خواستیم که نیاوردی و ثابت شد که تلبیس کرده و دروغ گفته ای، این کارت را جهالت، منافقت، غمخوار بودن با روس ها، معاش خور استخبارات نام گذاشتیم و علت تکفیر تو در دو مسئله واضح است، نخست اینکه یکی از شعیره بزرگ دین که جهاد است و بیشتر از هشت پاره در مورد آن در قرآن کریم آمده است را جنایت و وحشت نامیدی که این استهزاء به شعائر اسلام است و کفر اکبر است.

تو خوب میدانی که یک طرف مجاهدین است و طرف دیگر کفار و ملحدین، یک طرف مجاهدین است دعوا جهاد و قتل و قتال کفار را میکنند و عملاً اجرا میکنند، مقابل شان دشمنان الله و رسولش و کفار ملحد و کمونست و اشغالگران سرزمین های اسلامی هستند، یک طرف حامیان دین الله و مستضعفین که همان مجاهدین هستند و جهت دیگر قاتلین و بی عزت کنندگان مسلمانان قرار دارد.

یک طرف کفار هستند که با توپ و طیاره بالای زنان و اطفال مسلمانان بمبار میکنند (سوریه، عراق، ساحل و الان غرب افریقا) و جهت دیگر مجاهدین که نه توپ دارند و نه طیاره بخاطری انتقام از کفار و دشمنان مسلمین تن های نازک خود را کباب کرده و از جان خود تیر میشوند.

حالا که مجاهدین در جهاد مصروف هستند اگر در یک کار اجتهادی در خطا نیز واقع شوند تو حق نداری به سبب یک خطا شان جهاد شان را وحشت، فتنه و دهشت نامگذاری کنی و اصلاً تو کی و چه کاره هستی که میایی در حق مجاهدین زبان درازی میکنی؟

تو در کدام جبهه علیه کدام کافر دنیا اسلحه بدست و زیر طیاره های درون و b-52 کدام مملکت قرار داری که بعداً میایی بالای عملیات مجاهدین اعتراض کرده و رد میکنی، تو تارک جهاد و مخالف جهاد هستی، اگر ما هر چیز هستیم تو از خود بگو زیر تهدید و فشار کدام کافر دنیا قرار داری؟ بلی اگر تو مخالف کفار میبودی مثل امروز علنی و بدون هیچ خطر تمامی روز در میدیا نمی چریدی. دو روز مجاهد بی نام و نشان بیاید در میدیا صحبت کند فردا زیر تعقیب قرار میگیرد. این تو استی که نان ات گرم و دلت ات بی غم میایی در مسایل بحث میکنی که اصلاً ذهنت هم به او مسایل نمیرسد و نه تو

لیاقت آن را داری تو و امثالت را الله متعال به قعود در خانه امر کرده است **فاقدوا مع الخالفین** در فاقعدوا صیغه امر است به تو امر است که وقتی تارک جهاد بودی در جایت بشین، کارهای سیاسیها را که ظرف شستن و دیگ کردن است به دور از زنان مجاهده و غیرتی که سر هزار همچو تو شرف دارند، پس در باره مسایل خانه و دیگ و نان پختن مشوره بده، علیه مسایل علیای امت که خود در آن واقع نیستی دست درازی نکن، کسی هم که زبان و یا دست درازی کرده است اکثریت شان زیر خاک رفتند اما تو کوشش نکن در مخالفت حق و مخالفت مجاهدین کشته شوی.

فکر نکن مجاهدین بی خبر از حال امثال تو اند، طرفداری از روسیه کردی و برادران مجاهد ما که امروز هم زیر ظلم روسیه هستند توهین و تحقیر کردی. قسم به الله دل های تک تک مجاهدین با این عملت بالایت پر است و مجاهدین را با این عمل ناروا و طرفداری از روس های ملحد خفه و آزرده ساخته ای و قربانی های مجاهدین خصوصا چهار تن از اولیاء الله را وحشت و فتنه خطاب کردی که ما یک تار موی هریک آنها را از هزار همچو تو قاعدین از جهاد بهتر میدانیم و کسی هم در حق شان زبان درازی کند زبانش را بتوفیق الله متعال قطع میکنیم، و هنوز هم شیرانی از برادران آنان زنده اند

که پادشاهان را در بستر خواب شان به قتل رسانده و به سزای خود میرساند .

کسانیکه حتی در شوخی به شعائر دین الله متعال استهزاء کنند آنها را الله متعال کافر گفته است چی برسد به کسی که به جهاد مجاهدین القاب که از طرف کفار دنیا زمزمه میشود او را نسبت بدهد و جهاد را وحشت و دهشت گفته و دهها تاپه خود ساخته را نیز به آن بچسپاند.

لشکر جهاد را لشکر چنگیز نام بگذاری مجاهدین را ادم کش نام بانی و بعد از ما توقع داری بریت صاحب صاحب بگویم؟
تو یکبار به همین قول ات بنگر آیا چنگیز مسلمان بود که تو چهار مجاهد را به وی مقایسه کردی؟

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَءَايَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ [سُورَةُ التَّوْبَةِ : 65] لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ [سُورَةُ التَّوْبَةِ : 66]

و اگر از آنها بپرسی (: «چرا این اعمال خلاف را انجام دادید؟!»، می‌گویند: «ما بازی و شوخی می‌کردیم!» بگو: «آیا الله و آیات او و پیامبرش را مسخره می‌کردید؟ (بگو:) عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید.

و دلیل دوم از کفر آشکار تو دعوت به همدیگر پذیری میان تاجیکان کمونیست، صوفی ها و موحدین است که گفتی هرچند با هم دیگر مخالف نظر هستیم باید یکدیگر را بپذیریم و احترام کنیم که این سخن تو ناقض ولاء و براء است، که این سخن را بار بار ذکر کرده و حتی بیشتر تفصیل دادی و در فکر دریافت سیاست مدار که غمخوار همه تاجیک ها باشد شدی. الله تعالی میفرماید :

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿22﴾

قومی را نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با الله و رسولش مخالفت کرده اند هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند دوست بدارند در دل اینهاست که [الله] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تایید کرده است و آنان را به بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند الله از

ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب الله آری حزب الله است که رستگارانند .

• شیخ لندن در سوال دیگر که اجازه جوابش را به کسی نمیداد میپرسید: چرا شما مصلحت 20 میلیون مسلمانانی که در روسیه پناهنده شده با امنیت زندگی میکنند را در نظر نگرفتید، در حالی که آهسته آهسته توحید در میان آنها در حال گسترش بود؟ این کار خود را از نظر شریعت چگونه میبینید؟

در اینجا خیلی اشکار تلبس کردی و دفاع از بیدرخوانده های روسی ات کردی و این را نگفتی که روس ها در حقیقت سرزمین های اسلامی را مثل داغستان، چیچن و قفقاز و دیگر سرزمین های اسلامی اشغال کرده اند، هویت این سرزمین های اسلامی را از بین بردن باید میگفت این 20 میلیون پناهنده نی بلکه روس ها اینها را را در سرزمین شان زندانی و اسیر ساخته اند زمین شان را اشغال کرده است دین شان را به کروگان گرفته و زندان ها را از جوانان و زنان شان پر ساخته اند که در صورت اشغال بهترین عمل و راه حل جهاد است که در حقیقت برای این مسلمانان اسیره شده در

سرزمین های خویش، مجاهدین در عمل نشان دادند که ایطور اشغالگران را به قتل برسانید.

اگر چند میلیون مسلمان پناهنده است اینها از کجا هستند؟ از ممالک اسلامی آمدند اینجا اقامت دارند، اگر اینها بروند در ممالک خویش آیا آنجا خوبتر و بهتر از اینجا توحید یاد گرفته نمیتوانند؟

آیا در دار الکفر پناهندگی درست است؟ تا زمانیکه به قوانین شان احترام نکنی و قوانین شان را قبول نکنی و تابعیت مملکت شان را نگیری کجا برای تو پناهندگی میدهند؟ خوب این لندن مقصد احکام مهم اسلام را میخواهد به نوع تحریف کند.

اما جواب دوم ما برای وی این است که:

آیا در قتال و جنگ با کفار دین را خوب میدانند یا در اقامت در دیار کفار مانند تو لندن؟ بلی دین محمدی را در صورت قتال و کشتن کفار خوب میدانند و یاد میگیرند، جهاد در حقیقت توحید عملی است، هم به زبان برایشان مجاهدین میگویند و هم دشمنی با کفر را عملی برایشان نشان میدهند که اینگونه کفار کشته میشوند و اینگونه انتقام گرفته میشود، اینگونه محبت الله متعال و جنتش به یاد مردم میاید، اینگونه مردم شجاعت و غیرت را یاد میگیرند، اینگونه مردم

از قربانی دادن در راه الله متعال خبر میشوند که این خودش دعوت است ای جاهل بی خبر از دین.

از شرق تا غرب همه از عملیات مجاهدین خبر شدند، همه دانستند که روس ها سزای کار های خود را چشیدند، همه عملی دیدند که الحمدلله مجاهدین اینقدر قدرت یافتند که کفار را در امن ترین مکان شان هدف قرار دادند، جهاد در حقیقت بلندگو و لاودسپیکر اسلام است، جایکه صدای جهاد نباشد صدای اسلام خاموش میشود. این تربیه شده آل سلول ازاین بی خبر

است و میاید و میگوید 145 میلیون کافر روسی را کار نداشته باشید که اینجا دو میلیون مسلمان است، این درمانده هیچ دلیل ندارد وهر چی به زبانش بیاید میگوید، و جرئت این را ندارد که اجازه بدهد مجاهدین به وی در همان وقت جواب بدهند.

از خوانندگان میپرسیم! آیا جهاد در حقیقت دین را عملی نشان دادن و عقیده را برای مردم عملی اموختن است یا خیر؟ آیا دوستی و دشمنی را برای مسلمانان عملی نشان دادن است یا نی؟
بلی!

اما وقتی که دین شان از دربار حکومت ها سرچشمه بگیرد نتیجه اش تربیه شدن فرزندان ناخلف همچو این شیخ دولاری است.

این شخص در اصل با جهاد ضد دارد و میخواهد جهاد را یک عمل بد و یک عمل که هیچ کس باید صدای آن را نشنود و هیچ کس از آن خبر نشود معرفی کند فقط همین را میخواهد، این شخص از جهاد نفرت دارد جهاد را عزت نه بلکه سبب شرم ساری میداند نعوذبالله من ذالک، چطور به زبانت میاید که جهاد را از توحید و عقیده دور میکنی یا میخواهی به مردم عقیده مرجئه را بیآموزی چون در آن نه جهاد است و نه دین را به شکل عملی آموختن.

ببینید برادران عزیز، سیرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیار واضح پیش روی ما قرار دارد زمانیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از هجرت اعلام جهاد با مشرکین مکه میکند، پس در همان وقت تا بعد از صلح حدیبیه تعداد زیادی از مسلمانان مستضعف و غیر مستضعف در میان مشرکین مکه زندگی میکردند، اما رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگز نگفت که ما با مشرکین مکه نمیجنگیم چون در میان آنها مسلمانانی هستند و ممکن بعد از جنگ ما حالات آنها سخت تر شود، بلکه رسول الله صلی الله علیه وسلم با آنها جنگید اگر چه مشرکین بعضی از کسانی را که اسلام آورده بودند با زور و شکنجه به جنگ با مسلمانان آوردند که الله تعالی آنان را مکره قرار نداد بلکه فرمود: **إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ**

كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً
فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا [سُورَةُ النَّسَاء :

[97

ترجمه: کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آنها را گرفتند در حالی که به خویشتن ستم کرده بودند، به آنها گفتند: «شما در چه حالی بودید؟ (و چرا با اینکه مسلمان بودید، در صفِ کفار جای داشتید؟!)) گفتند: «ما در سرزمین خود، تحت فشار و مستضعف بودیم.» آنها [= فرشتگان] گفتند: «مگر سرزمین الله، پهناور نبود که مهاجرت کنید؟!» آنها (عذری نداشتند، و) جایگاهشان جهنم است، و سرانجام بدی دارند.

پس خلاصه اینکه این شبهه شیخ لندن نیز باطل بوده و دعوت وی جز برای تعطیل جهاد و گمراه کردن مردم چیزی دیگری نیست، بلکه چنین کشور های محارب باید سخت تر از دیروز تحت حملات قرار گیرند تا پند گرفته و بدانند که حالا نیز در میان امت اسلامی جوانانی هستند که میتوانند در مورد جنایات کفار با آنها حسابی کنند .

جواب سوم برای این سخن مذکور میگوییم که مصلحت آن است که اوامر شریعت در آن مد نظر گرفته شود نه خواهش نفس، الله تعالی

در آیات مکرر می‌فرماید که قاتلو... قاتلو... قاتلو... پس همین مصلحت است نه خواهش نفس تو که همانند عبدالله بن سلولی می‌گوید که خیر نباید کفار در سرزمین هایشان کشته شوند. اگر به زعم باطل و فاسد تو بخاطر چند میلیون مسلمان باید علیه روسیه حمله نشود، پس آمریکا و اروپا مقدمتر از روسیه هستند که بالایشان نباید حمله صورت گیرد، چون مسلمانان در آمریکا و اروپا بیشتر از روسیه هستند و در اروپا نیز تقریباً 20 میلیون و در آمریکا تقریباً 4 میلیون مسلمان زندگی میکنند و سرعت گسترش توحید در آن کشورها چندین مراتب بیشتر از روسیه است، پس آیا این سخن تو دلیل توقف جهاد در روسیه شده میتواند؟

اگر به خواهش نفس تو عمل شود پس قبل از روسیه جهاد را باید با آمریکا و اروپا تعطیل کرد و پس از آن جهاد را با مرتدین نیز تعطیل کرد که تحت نظام‌های شان مسلمانان بیشتری نسبت به روسیه و آمریکا در آن زندگی میکنند، که نتیجه سخن تو جز تعطیل جهاد چیزی دیگری نیست، و تعطیل جهاد توسط یک دولت و یک نظام ذی قوه کفر است و دعوت تو نیز به همین است، إنا لله وإنا إلیه راجعون .

عجیب منطق دارد این شیخ سلولی! رسول الله صلی الله علیه وسلم میفرماید: من بیزار هستم از مسلمان که در بین مشرکین زندگی میکند اما این لندن میاید بخاطر این مسلمانان سرسخت ترین دشمنان الله را از جهاد علیه شان مستثنی میسازد، عجیب شیطان گنگی است.

اسلام دار را به دو بخش تقسم میکند دارالاسلام و دارالکفر، در دارالکفر بودن اصلاً درست نیست خون مسلمان هدر است به خاطر اینکه کفار در قتل عام مسلمانان شریک هستند و هر وقت هر طوریکه مسلمانان قادر شدند و کفار را در دارالکفر شان هدف قرار دادند اگر خون مسلمانی ریخت این نیز هدر است این قاعده شریعت است اما این تربیه شده آل سلول را ببینید چگونه مسایل شرعی را خلط میکند.

- شیخ لندن در شبهه دیگر میگوید که این در کجای شریعت است که امرای جهاد در یک کنج دنیا یا در افغانستان باشند و فقط چهار تن از انغماسی های خود را به دارالکفر بفرستند و بگویند که در آنجا کفار را بکشید؟ در حالیکه چهار نفر هیچ جایی را فتح کرده نمیتوانند؟

در جواب این شبهه اش میگویم وقتی کسی در جهاد وقت تیر نکرده باشد، در چوکی های نرم و چرخدار بزرگ شده باشد کجا از ترتیب ها و نظم جهاد خبر می باشد، این جاهل از جنگ های جبهه ای و جنگ های چریکی کجا خبر است.

خوب تو برای ما مردود بودن همین کار مجاهدین را بیان کن وقتی رد میکنی دلیل بیاور، به کدام دلیل رد میکنی، ان شاءالله تا روز قیامت دلیل آورده نمیتوانی ولو از آل سلول گرفته تا علما درباری دیگر کمک بگیری؟

10 سال از اعلان خلافت میشود و بیشتر از 22 سال میشود که برای این خلافت خون ریختانده میشود و در همین مدت جنگ روان است تو چرا در این مدت نگفتی که کار های چریکی درست نیست باید جنگ جبهه ای باشد؟ اما وقتی روس ها کسانیکه روبل شان را به مصرف میرسانی کشته شدند بیدار شده و این شبهه را پیش کردی؟ یا اینکه از معاش کم کردند که درد اش یادت نمی رود؟

برای این بی خبر از دین و از نظم جهاد میگوییم: هر وقت مجاهدین عملیات را بخاطری فتح طرح نمیکنند هر عملیات هدف دارد یکی هدفش فتح است و دیگری مقصد و هدفش کشتن کتله زیادی از کفار است، یکی هدفش رعب انداختن در دل کفار است و دیگری هدفش

مال و اقتصاد دشمن را ضربه زدن است و دیگری هدفش غنائم را جمع کردن است، اما به تو در ابتدا گفتیم که تارکین جهاد کار شان در خانه با زن ها نشستن است و در مسئله دیگ و پخت و پز مشوره ات را بده، در مسائل علیای امت صحبت نکن که دیگر هم خود را رسوا میسازی همان صوفی های که تا امروز علیه شان بودی شاید بالایت خنده کنند.

ای جاهل در بدر کجا فتح شد؟

در احد کجا فتح شد؟

در حنین کجا فتح شد؟

در تبوک کجا فتح شد ؟

در ده ها سریه که رسول الله صلی الله علیه وسلم روان کرده است کجا فتح شده است ؟

گاهی یک گروپ را رسول الله صلی الله علیه وسلم تشکیل و روان کرده است که جنگ شده و یا نشده است و دوباره به مدینه آمده اند و بعضی از گروپ ها را روان کرده است که در راه شهید شده اند.

در جهاد فتح کردن را کی شرط گذاشته است؟

این جنگ های مجاهدین مقدمه ای است برای جنگ های جبهه ای، این کار ها را مجاهدین میکنند تا مسلمانان بی خبر از جهاد خبر شده

به کاروان مجاهدین یکجا شوند که بعداً لشکر علیه کفار منظم کنیم، اما تو مزدور تربیه شده میخواهی از این هدف مجاهدین بکاهی و به نفع کفار تبلیغات شروع کردی.

امثال تو درباری ها کجا مجاهدین را میگذارند که لشکر منظم جور کنند، تو کی را و چند نفر را به صف جهاد روان کردی که فردا صف جور شود؟

تو جاهل فتح به چی میگویی؟ همین فتح است که مجاهدین بالای یک لشکر از کفار حاکم شدند از تیغ تیر شان کرده و مردار شان کردند.

اگر هنوز هم در عالم جهالت و توهم به سر میبری این فرموده الله متعال را بشنو:

الله رب العالمین میفرماید: با کسانی که در جنگ هستید بالایشان شدت کنید تا تذکری باشد به کسانی که در عقب شان قرار دارند.

فَإِذَا تَتَقَفْنَا فِي الْغَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدَّكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

ترجمه: پس اگر در جنگ بر آنان دست یافتی با [عقوبت] آنان کسانی را که در پی ایشانند تارومار کن باشد که عبرت گیرند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به خاطر ترور کفار بار بار صحابه را تنها روان کرده است، نمونه علنی اش ترور و قتل کعب ابن اشرف

بود، و از این نیز معلوم میشود که جهاد مجاهدین صرف شامل جنگ های جبهه ای نیست بلکه به شکل چریکی نیز تشکیلات صحابه کرام صورت گرفته است.

بخاطر سربریدن ابو رافع یهودی رسول الله صلی الله علیه وسلم صحابی را روان کرد و به قتلش رساند در حالیکه هیچ جا فتح نشد. الله متعال میفرماید: دشمنان دین الله را هرکجا یافتید بکشید اسیر کنید در کمین گاه ها برایشان بنشینید، حکمش عام است و در هر جا یعنی دارالکفر روسیه وطن بادران تو نیز شامل است.

فَخَذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ

بگیرید و بکشید هر جا که یافتید

فَخَذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

بگیرید و بکشند هر جا که یافتید

مفسرین در تفسیر آیت مینویسد که (من بلادهم و غیر بلاهم ، این أصبتموهم من أرض الله) در زمین خودشان و در زمین غیر خودشان، در هر جایی از زمین الله که میتوانید قتل شان کرده و برایشان ضربه بزنید.

الله متعال در سوره بقره آیت 191 میفرماید: هر کجا که آنان یعنی کافران را یافتید بکشید و از آنجای که شما را بیرون کرده اند بیرون شان کنید.

اما طبری رحمه الله در تفسیر این آیت مینویسد: **اقتلوا أيها المؤمنون الذي يقاتلونكم من المشركين حيث أصبتم مقاتلتهم، و أمكنكم قتلهم، وقتالهم على هذا النحو جائز، ما داموا هم يقاتلون المسلمين.**

ترجمه: ای مومنان از مشرکین آن کسانی را که با شما در جنگ است بکشید، هرکجا افرادی محارب آنان را یافتید و قدرت قتلش را داشتید بکشید! و به این روش جنگ با آنها جائز است تا زمانیکه با مسلمانان می جنگند.

در سوره نساء آیت 91 الله متعال میفرماید: آنان را بگیرید و بکشید هر جای که یافتید.

در تفسیر این آیت مفسرین مینویسند: **أين أصبتموهم من الأرض، ولقيتموهم فيها فاقتلوهم، فإن دماءهم لكم حينئذ حلال.**

ترجمه: در هر جای از زمین که آنها را یافتید و روبرو شدید بکشید چون خون های شان درین وقت برایتان حلال است.

در جای دیگر الله متعال میفرماید: فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ.

ترجمه: پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید.

پس میگوییم تمام این مسائل در شریعت وجود دارد اما این تو هستی که با تلبیس‌های شیطانی ات میخواهی مردم را فریب دهی. پس این چهار تن از مجاهدینی که در میان کفار داخل شده و آنها را به قتل رسانیدند این عمل خلاف شریعت نه بلکه عین شریعت و لبیک گفتن به فرمان الله تعالی است.

• در جایی دیگر وقتی یکی از مخاطبین به شیخ لندن میگوید که این عملیات مسکو حکم گرفتن قصاص را میگیرد، پس مذکور فوراً از قدرت سخن میگوید و طوری سخن میگوید که گویا جهاد بدون داشتن قدرت جایز نیست؟

می‌خواهیم بدانیم که آیا دولت نبوی از همان ابتدا آنقدر محکم و مقتدر بنا شد که طوفان هم نمی‌توانست آن را تکان دهد و امتحانات

نمیتوانست بر آن تاثیری وارد کند؟ یا اینکه با چنان آزمایش های دست پنجه نرم کرد که جانها به لب رسید و برخی نسبت به نصرت الهی نا امید شده و به پروردگار شان گمان های گوناگون نمودند؟ آیا در مدینه محصولات کشاورزی قوم پر برکت و تجارتشان پر رونق و تعداد مردانشان زیاد شد یا برعکس مردان پیر و جوان در راه الله جان دادند و تجارتشان کساد و مزارع شان بی حاصل شد؟ آیا این دار الهجره (مدینه) سرزمینی با آب و هوای پاکیزه بود یا سرزمینی مملو از بیماری ها و کم آب بود؟ آیا سپاه و سربازان دولت نبوی از حیث تعداد و تجهیزات زیاد بودند یا چنانچه الله تعالی می فرماید: **وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (آل عمران / 123)**

ترجمه: در روز (جنگ) بدر الله در حالی شما را یاری داد که ضعیف بودید. (از حیث تجهیزات و تعداد و وضعیت معیشتی در ضعف قرار داشتند).

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم تازه به مدینه قدم گذاشته بودند، خودش را در راستای حفاظت از جانش در برابر دشمنان، خسته می نمود تا اینکه این فرموده الله تعالی نازل شد که: **(وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)** مائده / 67

ترجمه: و الله تو را از شر مردم محفوظ خواهد داشت.

در صحیح بخاری از عائشه ام المومنین رضی الله عنها روایت شده است که وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم تازه به مدینه آمده بودند شبها بیدار می ماندند و می فرمودند: "لیت رجلاً من أصحابي صالحاً يحرسني الليلة" ترجمه: کاش مرد صالحی از میان اصحابم مرا در هنگام شب حراست می نمود. ناگاه صدای شمشیر شنیدیم، گفت: کی هستی؟ گفت: من سعد بن ابی وقاص هستم آمدم تا از شما محافظت نمایم. و رسول الله صلی الله علیه وسلم طوری به خواب عمیق فرو رفت و در روایتی دیگر طوری به خواب رفتند که صدای خروپف ایشان هم به گوش میرسید.

این بود حالت دولت نبوی که از شخص رسول الله صلی الله علیه وسلم گرفته تا آخرین صحابی طوری آماده هستند که هر لحظه در فکر حمله دشمن هستند.

در قرآن کریم حتی در وقتی حمله به دشمن و یا ترس از دشمن نماز خوف را الله متعال ذکر میکند اما این لندن میاید ضعف را طوری جلوه میدهد که در آن وقت باید هیچ کاری نشود.

از این لندن سوال میکنیم آیا قدرت به یکبارگی از آسمان برای ما نازل میشود یا نه آهسته آهسته ساخته میشود و جور کردن قدرت های بزرگ از کار های کوچک شروع میشود؟

برای بیشتر باطل کردن این شبهه باید گفت که از آغاز اسلام اکثریت اوقات مسلمانان دارای قوت کمتر نسبت به کفار بوده اند، مثلاً در جنگ بدر تعداد مسلمانان 313 تن و تعداد کفار سه برابر بود، در جنگ احد تعداد مسلمانان حدود 700 تن و تعداد کفار سه یا چهار برابر بود، در جنگ خندق تعداد مسلمانان حدود 2 هزار و تعداد کفار حدود پنج برابر بیشتر بود و الله تعالی در قرآن کریم می فرماید: **كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ [سُورَةُ الْبَقَرَةِ : 249]**

ترجمه: چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان الله، بر گروه های عظیمی پیروز شدند! و الله، با صابران است.

همچنان در حکومت تازه تاسیس نبوی فقری مهلکی حاکم بود که به خورد و بزرگ رحم نکرد. در صحیح بخاری ایوب از محمد نقل می کند که: نزد ابوهریره بودیم که دو لباس ملون با رنگ سرخ از جنس کتان بر تن کرده بود. آب بینی اش را با کتان گرفت و گفت: "بخ بخ، أبو هريرة يتمخط في الكتان؟ لقد رأيتني وإني لأخِرُ فيما بين

منبر رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى حجرة عائشة مغشياً علي،
فيجئ الجائي فيضع رجله على عنقي ويرى أنني مجنون، وما بي من
جنون، ما بي إلا الجوع".

ترجمه: به به، ابوهريره آب بينی اش را با کتان میگیرد؟ يقنيا (روزی
را به یاد دارم) که در میان منبر رسول الله صلى الله عليه وسلم و
حجره عائشه رضی الله عنها در حالی قرار داشتم که بیهوشی بر من
طاری می شد و شخصی میآمد پای خود را بر گردنم می گذاشت با
تصور اینکه من دیوانه ام، در حالیکه در من هیچ دیوانگی ای نبود و
علتش جز گرسنگی چیزی نبود.

اینها مهمانان مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم هستند که از
فرط گرسنگی و فقر مهلک می نالند و هیچکدام چیزی ندارند.
چنانچه از ابوهريره در صحیح بخاری نقل شده است، که فرمود:
جعفر بن ابی طالب از بهترین مردم بود. (با این که چیز زیادی
نداشت) هر موقع به نزد ما می آمد و هر چیزی در خانه اش برای
خوردن پیدا می کرد، برای ما می آورد. حتی اگر عکهای (ظرفی که
در آن کره محلی درست می کنند) را نزد ما می آورد و در آن چیزی
نبود، آن را لیس می زدیم.

ای کسی که از وضعیت زندگی و تنگی معیشت در صف جهاد شاکی هستی، کمی فکر کن که چگونه پیامبرت صلی الله علیه وسلم با گرسنگی دست و پنجه نرم کرد، و اثر گرسنگی در چهره ایشان هویدا بود و از شدت گرسنگی گاهی به شکم و گاهی به پشت دور میخوردند. وقتی اسامه از گروهی از صحابه پرسید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم را چه چیز شده است؟ آنها با شکم گرسنه گفتند: از سبب گرسنه گی است. هیچ کسی برای خوردن رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی ندارد. اگر چیزی هم باشد چند تکه نان خواهد بود که تنها شایسته رسول الله صلی الله علیه وسلم است. پیامبر صلی الله علیه وسلم بسیاری از شبها را بدون اینکه چیزی بخورند به صبح میرساندند.

برای این جاهل میگویم یکبار از تاریخ دولت نبوی خود را خبر کن ببین چگونه با مشکلات و سختی دست و پنجه نرم کرده است.

چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره یکی از غزوات میفرمایند: "لو أنکم تتوکلون علی الله حق توکله لرزقکم کما یرزق الطیر تغدو خماصاً وتروح بطاناً".

ترجمه: اگر شما، چنان که باید، به الله توکل کنید، توکل میکردید الله همان گونه که پرنده را روزی می دهد شما را نیز روزی می داد که با شکم خالی بیرون میشود و با شکم پر بر می گردد.

این حدیث بر اصرار رسول الله صلی الله علیه وسلم برای جهاد با دشمنان و به دنبال آنها رفتن با وجود وضعیت نامناسب سپاه اسلام برای نبرد، صحه می گذارد. و این اقدام نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم به معنای به کشتن دادن و ضائع کردن سربازان نبود. چنانچه برخی امروز این ادعاها را می کنند و می گویند هر کس که بدون تجهیزات و امکانات نظامی مناسب به نبرد با دشمن برود عملاً خودش را به کشتن داده است.

بدون شک که این اقدام و فعل (نظامی و جهادی) پیامبر صلی الله علیه وسلم حاوی پند و پیام های بزرگ و ارزشمندی است که تنها افرادی که جهاد کرده باشند آنها را درک می کنند.

از ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که فرمودند: "خرجنا مع النبي صلى الله عليه وسلم في غزاةٍ ونحن ستة نفر بيننا بعيرٌ نعتقبه، فنَقَبَت أقدامنا ونَقَبَت قدامي وسقطت أظفاري، وكنا نلف على أرجلنا الخِرْق فسُميت غزوة ذات الرقاع لما كنا نعصبُ من الخرق على أرجلنا".

ترجمه: ما با رسول الله صلی الله علیه وسلم به غزوه ای برآمدیم و ما شش نفر، یک شتر داشتیم و آنرا به نوبت سوار می شدیم، پاهای ما آبله زد و پایم بحدی کوفته شد که ناخنهایم افتاد و ما پارچه های پاره پاره را به پاهایمان می پیچیدیم از این جهت غزوه بنام "غزوه ذات الرقاع" نامیده شد.

نکته مهم در رابطه با این حدیث این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش گرسنگی، آسیب های جسمانی (به دلیل بعد مسافت و کمبود غذا) را به جان خریدند که آنها بدون شک در جهاد الطلب قرار داشتند تا با کفار جهاد کنند و اموال آنها را به غنیمت بگیرند. پس ای بنده گان الله جهاد الدفع (جهاد دفاعی) چگونه خواهد بود؟ دفاع از دین، جان و ناموس. آن جهادی که علماء میگویند جهاد الدفع مشروط به هیچ شروطی نیست و هیچ عذر و بهانه وهمی و دروغ هم برای فرار از آن وجود ندارد.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بسیاری از شبها را در حالی سر بر بالین می نهادند که خانواده اش چیزی برای خوردن نداشتند، در اکثر اوقات نان جو می خوردند.

بله درست فهمیدید، خانواده اش همان همسران و فرزندان رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی برای خوردن نداشتند.

از سلمه رضی الله عنه روایت است که فرمود " **خَفَّتْ أَزْوَادُ الْقَوْمِ وَأَمْلَقُوا فَأَتُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي نَحْرِ إِبِلِهِمْ فَأَذَّنَ لَهُمْ** "

ترجمه: (در غزوه تبوک) توشه مردم تمام شد پس آنها نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و اجازه خواستند که شترهای (سواری) شان را ذبح کنند، رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شان اجازه فرمود. در ادامه حدیث طوری روایت است که عمر رضی الله عنه گفت که اگر شترهای سواری خود را ذبح کنیم بعد از آن (دراین سفر دور و دراز) چه کار خواهیم کرد؟ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: " **نَادِي فِي النَّاسِ فَيَأْتُونَ بِفَضْلِ أَزْوَادِهِمْ** " ترجمه: ای عمر در میان مردم صدا بزن تا توشه های باقی مانده شان را بیاورند.

پس برایش فرشی هموار شد و غذاها در آن قرار داده شد و رسول الله صلی الله علیه وسلم ایستاد شد و دعا نمود و الله متعال در آن خیر و برکت انداخت.

برای همچون تو تارک جهاد و الان منکر جهاد میگویم ابوبصیر رضی الله عنه کجا قدرت داشت که در مکه از دست مشرکین رفت و

جبهه باز کرد رسول الله صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: " **مُسْعَرٌ**
حَرْبٍ لَوْ كَانَ مَعَهُ أَحَدٌ، أَوْ مَعَهُ رَجُلٌ "

ترجمه: شعله ور کننده جنگ هست، اگر همراهش فردی یا افرادی باشد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم او را مدح کرد و او را فردی شجاع و مرد میدان جنگ توصیف نمود.

اما وقتی کسی همانند شیخ لندن بر کثرت ایمان بیاورد پس نتیجه اش همین بزدلی و ترک جهاد و همچنان مانع شدن دیگران از جهاد میشود.

بیا باید گوشه‌ای دیگری از مصائب و به مراتب دردناک تری را که دولت نبوی آن را تجربه کرد با هم مرور کنیم که عبارت است

از جنگ خندق و روزهای احزاب. الله تعالی می‌فرماید: **(إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا (10) هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا) الأحزاب / 11-10**

ترجمه: آنگاه که از سمت بالا و از سمت پایین بر شما تاختند، چشمها خیره شد و دلها به گلوگاه رسیده بود و به الله گمان‌های گوناگون می‌بردید. در آنجا مؤمنان امتحان شدند و سخت تکان داده شدند.



يا رب يا ذا الفضل من فوق السما
هذا الصيام خالصاً هذا الظما
وجلادنا الأعداء في ظلم بنا
فاقصم كفوراً لا يهاب الأعظم

ترجمه: ای پرودگار ای صاحب فضل از بالای آسمان، این روزه را خالصانه برای تو می‌گیرم و این تشنگی را تحمل می‌کنم، دشمنان به ما ظلم و ستم می‌کنند. یا الله کمر این دشمنان کافر را بشکن که از عظمت تو ترسی ندارند.

• شیخ لندن میگوید من شما را نصیحت کردم ولی شما نصیحت مرا نپذیرفتید و به عین شکل نصیحت هیچ کسی را نمی‌پذیرید؟ در حالیکه صحابه یکدیگر را نصیحت کرده اند و از همدیگر ناراحت نشده اند؟

نخست باید به مذکور گفت که: آیا تو که خود را عالم مینامی طریقه نصیحت کردن را میدانی؟ آیا نصیحت کردن ما همین است که در شبکه های اجتماعی لایف صحبت کنی و علیه مجاهدین زبان درازی کنی؟ و عمل جایز و شرعی را بخاطر دفاع پوتین غیر شرعی بنامی؟ و کشته شدن جوانان محارب را به کشتن زن و طفل و دهقان تعبیر

کنی؟ و دیگر ده ها تهمت وارد کنی؟ آیا همین است نصیحت تو؟ ادم کش گفته و چنگیز گفتن زبان نصیحت است؟

شعار مجاهدین خلافة علی منهاج نبوة است تو امدی این شعار مجاهدین را گفتی این منهج چنگیز است لاحول واللہ قوت الابللہ آیا زمانیکه صاحبه یکی دیگر را نصیحت میکردند همین گونه نصیحت میکردند؟ وقتی تو اشتباهی را در ما میبینی چرا مستقیم به خود ما مشکل ما را نمیرسانی بلکه در شبکه های اجتماعی لایف آمده و در میان شاگردان خود علیه مجاهدین تهمت وارد میکنی؟ آیا زمانیکه مشکل در میان ما باشد یک یا دو شاگرد تو میتوانند آن را اصلاح کنند؟ یا خود ما؟ پس چرا آن را خفیه به ما نمیگویی؟ در حالیکه خوب میدانیم آدرس های ما را داری، بلکه کاری که تو میکنی این نصیحت نه، تخریب مجاهدین و صف جهاد است، این تهمت و بهتان و عمداً دلسوزی با کفار است، این نصیحت کردن نی تقبیح کردن است،

این نصیحت نه بلکه انجام دادن وظیفه داده شده برایست، تعجب است برایست که تو این را نصیحت میدانی.

آیا طرز، شیوه و طریقه نصیحت را شریعت همین قسم بیان کرده است؟

ما اصلاً نیازی به نصایح یک شخصی تربیه شده آل سلول منکر الجهاد را نداریم، کاش تو خودت در صف جهاد میبودی و یا حتی فرض عین بودن جهاد را می پذیرفتی و علیه کفار فتوای جهاد میدادی سپس ما مشوره تو را پذیرفته و به آن عمل میکردیم، خودت یک منافق و تارک جهاد هستی، دیگران را به ترک جهاد نیز دعوت میکنی، مجاهدین را بنام مصلحت دعوت میدهی تا علیه روسیه حمله انجام ندهند چون در وظیفه داده شده عقب ماندی و علیه مجاهدین آشکارا در رسانه ها زبان درازی میکنی، پس بدان این نصیحت نه بلکه تخریب مجاهدین و سپر قرار دادن اسم نصیحت به تهمت هایت است.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾
البقرة

ترجمه: و چون به آنان گفته شود در زمین فساد نکنید میگویند ما خود اصلاح گریم.

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ البقرة

ترجمه: خبردار باشید که آنان فسادگرانند لیکن خود نمی فهمند.
بلکه ما لله الحمد علماء و اهل شورا داریم، والی، خلیفه و افراد دانسته تر از تو داریم که در کارهای خود از آنها مشوره طلب کنیم،

در میان ما علمای هستند که مجاهدین را همیشه نصیحت میکنند، بار ها مجاهدین خواسته اند بالای بعضی از مراکز و مکان ها حمله کنند اما همین علماء بنابر مصلحت شرعی و یا بنابر مفسده که در کار وجود داشت مجاهدین را منع کرده اند، بار ها همین علما ما را به خطا های ما متوجه کرده و از آن رجوع کرده ایم، ما نه تنها اینکه به سخنان علمای ربانی و خیرخواهان واقعی خود گوش داده و نصایح شان را پذیرفته ایم بلکه حتی گهگاهی منافقین و مرتدین زمانیکه بر ما انتقاد کرده اند و ما را متوجه خالیگاه و یا خطای خود کرده اند سخن حق شان را پذیرفته ایم، پس این سخن تو باطل است که ما نصیحت کسی را نمی پذیریم، بطور یاد آوری براتان مثالی بگوییم زمانی که سال گذشته در همین ماه مبارک رمضان مرتدین طالب در ولایت های مختلف بر مقر های شهری مجاهدین حمله کردند و زنان و کودکان مجاهدین را یکسره در عملیات های خود قتل عام کردند که خود شان نیز به آن اقرار کردند، در این وقت مجاهدین بخش نظامی بسیار خشمگین شدند و میخواستند به خانه های مرتدین طالب حمله کنند و انتقام زن و بچه های مجاهدین را از زن و بچه های طالبان بگیرند که بار ها در این مورد از علماء استفتاء کردند اما علماء برادران نظامی ما را از این کار منع کردند.

ما شخص را دیده از او استفتاء میکنیم و نیز نصایح کسی را میپذیریم که معلوم الحال باشد، نه شخصی مذبذب و مجهول الحال همچون تو که ما را نصیحت میکنی تا در روسیه بالای محاربین حمله انجام ندهیم، این نصیحت کردن ما است و یا به مکر و حيله روس ها را از ضربات مجاهدین نجات دادن؟

• شیخ لندنی میگوید در چنین کارها و عملیات های بزرگ باید از علما که هدفش خودش است مشوره میگرفتید تا مصلحت و مفسده آن را برایتان بیان میکردیم و سپس همان مشوره رسول الله صلی الله علیه وسلم با صحابه را بیان میکند که گفته بود داخل مدینه با کفار بجنگیم یا بیرون از مدینه که در حقیقت هدف او رد کردن و تلبیس کردن بر مردم و بد نشان دادن جنگ های شهری مجاهدین است که در شهر های محاربین انجام میدهند.

اول: اینکه مشوره در بین دو یا چند امر جایز صورت میگیرید که باید فیصله به یک امر شود از این خاطر وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم بین دو امر مشوره میکند معنی هر دو جایز است و

بهترش را انتخاب میکند از این سخن هم معلوم میشود که جنگ هم داخل شهر و هم بیرون شهر جایز است.

دوم: رسول الله صلی الله علیه وسلم با اصحاب که همراهی وی در جنگ شریک بودند مشوره کرده است تو کجاء علیه کدام کفار در جنگ شریک هستی؟ که بیایم همراهی تو در باری ترتیب های مجاهدین مشوره کنیم؟ تو شلیک کردن را بلد استی و یا گاهی تنفگ را بدست گرفتی یا نی؟ سخن بعضی ها سر ما را مار گزیده است که بیایم بدست خود ترتیب خود را افشا کرده و همراهی تو در لایف در باری عملیات نظامی مشوره کنیم این است عقل این تربیت شده.

سوم: این تطبیقش بالای دار الاسلام است که وقتی کفار بخواهد حمله کند مجاهدین مشوره میکنند که قبل از حمله کفار بالای دار الاسلام ما حمله کنیم و یا اینکه در سنگر های خود باشیم و کفار را اجازه بدهیم داخل شهر شوند بعدا دست با دست جنگ کنیم، و کفار را کمرچین کمین بزنیم این جز استراتیژی های نظامی میباشد و تو ابلیس صفت میایی این استراتیژی را بالای روسیه تطبیق میکنی و دارالکفر را با دار الاسلام خلط میکنی یا حماقتت حد و مرزی ندارد که از ترتیب و نظم جهاد و جنگ اصلا خبر نیستی، یا زور دالر است

که مجبورت کرده تا هر چیز در دهنش بیاید بیان کنی بدون اینکه
ساحه تطبیق شرعی اش را بفهمی.

و در اخیر بار دیگر برایت میگوییم که ما افراد مشوره را شناسیم،
رسول الله صلی الله علیه وسلم هرگز با عبدالله ابن سلول و کسانی
که تارک جهاد بودن و مردم را نیز از جهاد منع میکردند مشوره
نکرده است و نه هم مشوره آن ها را پذیرفته است، بلکه رسول الله
صلی الله علیه وسلم از مهاجرین مخلص و انصار مخلصی که هدف
شان رضایت الله است مشوره گرفته است، در میان ما هم لله الحمد
تاجیکان ورزیده و فهمیده ای هستند که مصلحت و مفسده یک
عملیات را بهتر از تو میفهمند و ما از آنها مشوره گرفته ایم و نیازی
به مشوره افراد مجهول الهوية و منکر الجهاد نداریم، تو یکبار
ایمانت را تجدید نموده از سخنان کفری که به زبان ات جاری شد
رجوع کن و فرض عین بودن جهاد را قبول کن، سپس به مردم بیان
کن که در عصر حاضر جهاد علیه تمام کفار و مرتدین فرض عین
است، بعد از آن اگر کدام مشوره موافق شریعت داشتی خفیه به
آدرس های ما بفرست نه اینکه در رسانه ها هیاهو بیندازی، بعد از
آن اگر سخت را پذیرفتیم خوب و اگر نپذیرفتیم حتما مصلحت یک
کار را بهتر از تو دانسته ایم.

و جواب آخر اینکه در مسئله جنگ شهری، از الله متعال حیا نمکنی ، از نظام رسول الله و صلی الله و علیه وسلم و صحابه شرم ات نماید که تو مسکو را به مدینه تعبیر میکنی؟ و زنان و اطفال کفار محارب را به اطفال و زنان صحابه مقایسه میکنی؟ سپس میگوی که جنگ شهری چنان است و چنین، آیا این جنگ شهری را ما پیشنهاد کرده ایم یا خود شان بار نخست چنین کردند؟ زمانیکه مجاهدین ما در عراق و شام تمکین داشتند همین روس های نجس بودند که جنگ را از مرز ها به داخل شهر های مجاهدین کشیدند و خانه ها و محل بود و باش مسلمانان و مجاهدین را داخل شهرهایشان بمبارد کردند، و اگر ما بر جایی حمله میکنیم دیده و دانسته و با بصیرت میکنیم، نه در مناطق تحت سیطره مرتدین و نه هم در مناطق تحت سیطره کفار اصلی در هیچ جا کور کورانه عملیات انجام نمیدهیم، در هیچ جای اطفال و زنان را هدف تام خود و مقصد اساسی قرار نمیدهیم، همینجا میگوییم هر کسی اطفال و زنان را که در جنگ علیه مسلمانان شریک نباشند بدون هیچ دلیلی هدف اصلی خود قرار میدهد ما ازین کار آن شخص بیزار هستیم، اما اگر اینها به حیث سپر استفاده شده باشند و یا هدف فرعی برای رسیدن به اصل باشد پس

کشتن زنان و اطفال کفار محارب را در همچون موارد چون شیر مادر حلال میدانیم، و در این مورد اقوال زیادی از علما وجود دارد. و از کشتن زنان کفار محارب که در جنگ شریک هستند نیز دست بردار نخواهیم شد تا آن وقت که این زنان از جنگ علیه ما دست بردارند.

در رساله اولی هم برایت گفتیم که در وجود تو آتش قومیت شعله و زبانه میزند اما در این مسئله فکر نکرده و عبرت نگرفتی بلکه در مسند یهود نشسته و ضد کردی و دوباره به قومیت دامن زدی و تمامی افغان ها را جاهل و اکثر شان را قوم پرست و جاهل بی ادب خطاب کردی.

ما در کجای رساله خود گفته بودیم ما افغان هستیم بلکه تو در بیان اولی ات برادران تاجک را توهین کردی، شجاعت شان را زیر سوال برده و ایشان را سرخم معرفی کردی، وقتی ما دفاع آنان را کردیم حال درمانده شدی و بلندگوی قومیت را باز به صدا درآوردی که شما افغان ها هستید و ما را توهین کردید.

تو به قومیت و شرک دعوت دادی، شرک دیگر شاخ و دم ندارد بلکه همین است که گفתי باید همدیگرپذیری داشته باشیم در حالیکه اختلاف در عقیده داریم که این خود شرک در عقیده است.

وقتی به قومیت و عصبیت دعوت کردی و برایت گفتیم نکن در
اسیاب دشمن آب نریز اما به جای رجوع دوباره دعوت به قومیت
کردی و سخن از تاجک و افغان یاد کردی، تو جاهل نمیدانی که
علما درباری همچون تو از هر جا و هر قوم باشند از تیغ مجاهدین
تیر شده اند و مجاهدین سمت و قوم را نمیشناسند.

ایاز نیازی چی شد؟

مولوی مفلح

مفتی نعمان مشرک

رحیم الله حقانی

دوکتور عاطف ریس جمعیت فساد

اینها چه شدند کجا رفتند و از کدام قوم و تبار بودند؟

و ده ها تن دیگر مانند شان که اعلام مجاهدین را اگر تعقیب میکردی
میفهمیدی.

بالای مجاهدین گمان مبشر مسلمیار را نکن که برایت ههه خنده
کنند، موقف مجاهدین معلوم و آشکار است در مقابل هر طاغوت، از
هر قوم و زبان که باشد موقف شان یکی است و از ملامتی ملامت
کنندگان هراسی ندارند.

و تو خیلی جرأت کردی که حمله مبارک مجاهدین را کردار چنگیز و آدم کشان نام گذاشتی؟

تازمانیکه از گفتارت رجوع نکنی و از این دعوت قومیت دست نگیری و باز هم علیه مسلمانان قرار بگیری این ها در های است که به طرفی کفر باز شده است و تو در آن قدم نهادی بهتر است علاجت را کنی به داد و فغان چیزی بدستت نمی آید.

صراحتاً دوباره این سوالات را از تو میپرسیم که در دو رساله تفصیل شده است:

اول: آیا این سخن را نگفتی که ای جوانان تاجک باوجود داشتن اختلاف نظر باید همدیگرپذیری داشته باشیم گفتی یا نه؟ یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت ضبط شده است پس بهتر است توبه کنی.

دوم: آیا به جهاد و قتال مجاهدین وحشت و دهشت نگفتی؟ آیا این عمل مجاهدین را فتنه و حرام نگفتی؟ یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت ضبط شده است پس بهتر است که رجوع کنی.

سوم: آیا جوانان تاجک را توهین و تحقیر نکردی ایشان را زن صفت و سرخم معرفی نکردی؟ یا انکار کن و یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت موجود است.

چهارم: آیا شریعت الله را تحریف نکردی که در دو رساله برای توضیح دادیم؟ یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت ضبط شده است.

پنجم: آیا نگفتی علما ریش سفید تاجیکستان بدرد نمیخورند و همه میدانند که این علما درباری هستند؟ و گفتی بجای آنها به ما رجوع کنید این خواستن دربار رحمانوف است یا خیر یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت همه جا ضبط شده است.

ششم: آیا نگفتی که هیچ کس نیست تا صدا از همه تاجک ها بزند نه عالم و نه سیاست مدار، و خوب میدانی که امروز جوانان حق رفتن به مسجد ندارند، کجا است سیاست مدار مسلمان و موحد و هدفت همین سیکولر ها بودند که تو برای ذکر کردی پس یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت موجود است.

هفتم: آیا کتمان از شریعت نکردی و حدیث منع کشتن زنان و دهقان را نیآوردی بر بالای جوانان کفار محارب و زنان محارب

آنان تطبیق نکردی؟، یا انکار کن یا توبه که انکار کرده نمیتوانی چون صدایت نزدمان ضبط است.

هشتم: بالای مجاهدین دهها تهمت را بسته کردی یا نه دهها دشنام و الفاظ بد را علیه مجاهدین استعمال کردی یا نه؟ جاهل، نادان، استفاده جو و دهها لقب دیگر به مجاهدین دادی یا نه؟ تروریست گفته و عملیات کرمان ایران را رد کرده و تروریستی گفتی یا نه؟ یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت موجود است.

نهم: در بیان اول و هم در بیان دوم بار بار از صدر اسلام و نظام اسلامی دلیل آوردی بعدا تطبیقش را بالای نظام کفری و نظام پوتین کردی یا انکار کن یا توبه که انکار نمیتوانی چون صدایت موجود است.

این راه علنی و اشکار را تو انتخاب کردی امدی و در میدیا علنی رد کردی تا علنی رجوع نکنی و از خطا خود بر نکردی در تاریخ اسلام بنام مدافع و غمخوار روسهای ملحد ثبت میشوی.

پس به این سوالات مجاهدین جواب بده، بعدا دلایل بیشتر بر رد بر سخنان جاهلانه ات برایت ذکر خواهیم کرد بتوفیق الله.



رساله الحديد